

تجوید

قرآن

تدوین و تقدیم :

موسسه ی فرهنگی قرآن و سنت نبوی روانسر

فهرست

ردیف	موضوع	صفحه
۱	علم تجوید	۴
۲	حروف الفبای عربی	۵
۳	مخارج حروف	۶
۴	روش یافتن مخرج حرف	۶
۵	محل مخارج حروف	۶
۶	صفات حروف (لستعلا و استفال ، قلقله ، لین و غنه)	۱۰
۷	احکام حروف : احکام حرف لام (ل) جلاله	۱۳
۸	احکام تنوین و نون ساکنه	۱۳
۹	ادغام	۱۴
۱۰	قلب (اقلاب)	۱۵
۱۱	اظهار	۱۵
۱۲	اخفاء	۱۶

۱۷	احکام میم ساکنه	۱۳
۱۸	احکام حرف را (ر)	۱۴
۱۹	تفخیم و ترقیق الف مدی	۱۵
۱۹	مد	۱۶
۲۰	انواع مد	۱۷
۲۲	احکام همزه	۱۸
۲۳	اشباع های ضمیر	۱۹
۲۵	احکام وقف	۲۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيَّ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ
وَعَلَى آلِهِ وَأَصْحَابِهِ وَاتَّبَاعِهِ أَجْمَعِينَ....

علم تجوید

تجوید از نظر لغوی از جودت و به معنی نیکو بودن و نیکو نمودن می باشد.

تجوید قرآن : به معنی رعایت مخارج، احکام و صفات حروف و نیکو خواندن قرآن است. منظور آن است که قرآن را به روشی که پیامبر (ص) و یارانش (رضوان الله تعالی علیهم اجمعین) تلاوت کرده اند، ما هم بر آن اساس قرآن را فرا گیریم.

خداوند متعال در آیه ۴ سوره مزمل می فرماید:

" وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلاً " . قرآن را با دقت و نیکو بخوان.
پیامبر (ص) هم فرموده است : " لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يَتَغَنَّ بِالْقُرْآنِ " .
از ما نیست کسی که قرآن را با صوت و آهنگ نیکو نخواند.

مؤسسه‌ی فرهنگی قرآن و سنت نبوی روانسر

حروف الفبای عربی

برای آموختن قرآن باید ابتدا با حروف و الفبای عربی آشنا شویم .
حروف عربی ۲۸ حرف می باشند و اسامی آنها عبارتند از:

حروف	اسامی حروف	حروف	اسامی حروف
ا - ء	ألف ، همزه	ض	ضاد
ب	باء	ط	طاء
ت	تاء	ظ	ظاء
ث	ثاء	ع	عین
ج	جیم	غ	غین
ح	حاء	ف	فاء
خ	خاء	ق	قاف
د	دال	ک	کاف
ذ	ذال	ل	لام
ر	راء	م	میم
ز	زاء	ن	نون
س	سین	و	واو
ش	شین	ه	هاء
ص	صاد	ی	یاء

مخارج حروف

مخارج جمع مخرج است و منظور از مخرج حرف، جایی است که حرف از آنجا تلفظ می شود. و معمولاً مخارج حروف در حلق، زبان و لب و فضای بینی قرار دارند.

روش یافتن مخرج حرف

برای یافتن مخرج هر حرف یک همزه مفتوح (أ) در اول آن آورده و حرف ساکن گردانده می شود صدا به هر جا که منتهی شد آن مخرج حرف است. مثلاً:

مخرج حرف با (ب) : أب ، مخرج بین دو لب است.
مخرج حرف جیم (ج) : أج ، مخرج وسط زبان و سقف دهان است.

مخرج حرف غین (غ) : أغ ، مخرج در حلق است.

محل مخارج حروف

محل مخارج حروف عبارت است از :

۱- حلق : از حلق شش حرف ، همزه (اء) ، ها (اَه) ، حا (اَح) ،
خا (اَخ) ، عین (اَع) و غین (اَغ) تلفظ می شوند .

۲- زبان : از زبان ۱۸ حرف زیر تلفظ می شوند :
تا (اَت) ، ثا (اَث) ، جیم (اَج) ، دال (اَد) ، ذال (اَذ) ،
را (اَر) ، زا (اَز) ، سین (اَس) ، شین (اَش) ، صاد (اَص) و
ضاد (اَض) ، طا (اَط) ، ظا (اِظ) قاف (اَق) و کاف (اَك) ، لام
(اَل) . نون (اَن) . یا (اِی) .

۳- از هر دو لب چهار حرف زیر تلفظ می شوند :
با (اَب) و میم (اَم) ، واو (اَو) ، فا (اَف)

در بین ۲۸ حرف زبان عربی فقط ۱۰ حرف از آنها تلفظ شان
با زبان فارسی متفاوت است و آن ۱۰ حرف عبارتند از :
ث - ح - ذ - ص - ض - ط - ظ - ع - غ - و .

حرف " ث " : این حرف از تماس نوک زبان با دندان های جلو در
آرواره بالا و با صدای نازک و کم حجم با دمیدن هوا تلفظ
می شود ، مانند : ثَابِتٌ - ثَوَابٌ - كَثِيْرٌ - ثَلَاثٌ - ثُلُثٌ - ثَقُلْتُ

حرف " ح " : این حرف از وسط حلق تلفظ می شود مانند کسی که بخواهد پوست تخمه ای را که در گلویش گیر کرده است ، با فشار هوا خارج کند . مثال :

الْحَمْدُ - رَحْمَنُ - حُنْفَاءُ - حَيْلَهُ - حَاجِزًا - حُسْنًا - أَحْيَاهَا

حرف " ذ " : حرف ذال عیناً مانند حرف " ثاء " از تماس نوک زبان با دندان های جلو در آرواره بالا و با صدای نازک و کم حجم تلفظ می گردد ، مانند :

ذَهَبَ - هَذَا - ذَلِكَ - ذُنُوبٌ - ذُوْقُوا - ذِي قُوَّةٍ - ذِرَاعًا

حرف " ص " : این حرف از نزدیک شدن نوک زبان به دندان های پیشین بالا بدون چسپیدن تلفظ می شود . در واقع همچون "س" اما پر حجم و درشت تلفظ می گردد. مانند :

صَدَقَ - صَادِقٌ - صِرَاطٌ - صَالِحِينَ - قِصَصٌ - نَوَاصِي

حرف " ض " : این حرف از تماس کناره ی زبان با دندان های آسیایی بالا و با صدای پر حجم و درشت (همچون دال درشت) تلفظ می شود . مانند: ضَرَبَ - وَضَعَ - ضَرِبَتَ - ضَامِرٌ - ضَالِينَ - مَعْضُوبٌ - أَرْضٌ

حرف " ط " : این حرف همچون " ت " اما درشت و پرحجم تلفظ می شود ، مانند : طَيِّبَه - أَطْرَاف - مُحِيط - طِفْل - صِرَاط - قِنطَار - لِلطَّاعِينَ

حرف " ظ " : این حرف مانند " ذ " از تماس نوک زبان و سر دندان های جلو آرواره ی بالا ، اما درشت همچون ذال پرحجم تلفظ می شود ، مانند : ظَلَم - عَظِيم - غَلِيظ - ظَالِمِينَ - تَوَعَّظُونَ - عِظَام - ظَهْر

حرف " ع " : این حرف از وسط حلق و به صورت نرم تلفظ می شود ، مانند : عِلْم - مُعَلِّم - مَاعُون - أَلْعَالَمِينَ - أَلْسَمِيع - مَعِيشَه - عَبَد

حرف " غ " : این حرف مانند حرف " خ " از قسمت نزدیک به دهان ، ولی نرم و کشیده تلفظ می شود ، همچون غرغره آب در گلو ، مانند: غَيْر - غُرُور - غَافِرِينَ - يَغْفِرُ - يَغِيظُ - يَغُوصُونَ
حرف " و " : برای تلفظ این حرف لب ها به صورت غنچه در می آید و صدای " و " از میان دو لب خارج می شود . مانند :
وَرَدَ - وَعِدَ - وَصَلَ - وَهَبَ - مَوْرُودَ - مَوْلَى - وَقَعَ

صفات حروف

۱- استعلاء و استفال

الف : صفت استعلاء : استعلاء به معنی پرحجم و درشت یا به حالت تفخیم تلفظ کردن حروف می باشد، حروف استعلاء عبارتند از : ((ص - ض - ط - ظ - خ - غ - ق)) . مثال :

ص : صَادِقِينَ - صِدْقٍ - صُحُفٍ - نُفُصِلُ

ض : ضَرَبَ - ضِعْفَاءَ - خَاضِعِينَ - فَقَضَيْهِنَّ

ط : طَبَقًا - طُغْيَانًا - يَطُوفُ - قِنطَارٍ - آرَهْطِي

ظ : أَنْقَضَ - تَطَاهَرَا - يَظْلِمُونَ - ظِلًّا ظَلِيلًا

خ : خَالِدُونَ - خُلُودٌ - يَخُوضُوا - خَيْفَهُ

غ : غَفَّارًا - غِطَاءَكَ - مُغْرَقُونَ - غَيْرَ بَاغٍ - يَغْفِرُ

ق : قَالَ - قِتَالًا - يُقِيمُونَ - فَأَقْصِ الْقِصَصُ

ب: صفت استفال : استفال به معنی نازک و کم حجم و به حالت ترقیق تلفظ کردن حروف می باشد ، که غیر از حروف استعلاء بقیه ی حروف دارای صفت استفال هستند .

۲- قلقله : قلقله به معنای ” تکان خوردن ” است و در اصطلاح تجوید ، حرکت مختصر دادن به پنج حرف ((ق - ط - ب - ج - د)) یا ” قُطْبُ جَدُّ ” می باشد . این حروف هرگاه ساکن شوند خواه در وسط یا آخر کلمه (هنگام وقف) قلقله می گیرند یعنی باید مختصر حرکتی پیدا کنند . مثال :

ق: أَقْبَلَ - يَقْتُلُونَ - نَقْتَبِسُ - طَارِقٌ - بِالْحَقِّ - التَّلَاقُ
 ط : اطْرَافٌ - نُطْعِمُ - يَطْمَعُ - يُفْرِطُ - صِرَاطٌ - مُحِيطٌ
 ب: اِبْرَاهِيمَ - اَبْرَمُوا - يَبْسُطُ - كِتَابٌ - حِسَابٌ - فَصَبْ
 ج : اَجْرَمُوا - مَعَارِيجٌ - بِالْحَجِّ - حَاجٌ - اَجْدَاثٌ - مَرِيجٌ
 د : اَدْبَرَ - بُعِيدٌ - يُوَدُّ - نُمِدُّ - حَادٌ - يَدْرُسُونَ - اَرَدْنَا

۳- لین : به معنای نرمی است و منظور از آن به نرمی تلفظ شدن دو حرف ” واو ساکن ماقبل مفتوح (وَ) ، و یاء ساکن ماقبل مفتوح (یَ) ” می باشد . مثال :

و : خَوْفٌ - قَوْمٌ - يَوْمٌ - لَبَعَوْا - عَصَوْا
 ی : بَيْتٌ - اِلَيْكَ - شَيْءٌ - اِبْنَتِي - اِثْنِي

۴- غنه : صدایی است که از بینی خارج شده و به مقدار دو حرکت کشیده می شود .

موارد غنه :

۱- هنگام ادغام کردن نون ساکن و تنوین در حروف ” یا “ و ” نون “ و ” میم “ و ” واو “ . (یَمُون)

۲- هنگام اخفاء کردن نون ساکن و تنوین نزدپانزده حروف مابقی

۳- هنگام اخفا کردن میم ساکن در ” با “ مِنْ بَعْدَ = مِمَّ بَعْدَ

۴- هنگام ادغام کردن میم ساکن در میم متحرک ، اَمْ مَنْ

۵- هنگام تشدید داشتن نون و میم . اِنَّ - مِمَّا

احکام حروف

احکام حرف لام (ل) جلاله

۱- تفخیم لام جلاله : هر گاه قبل از لام " الله " فتحه یا ضمه بیاید لام تفخیم می شود . مانند: سَمِعَ اللهُ ، نَصَرَ اللهُ .

۲- ترقیق لام جلاله : هر گاه قبل از لام " الله " کسره بیاید ، لام ترقیق می شود . مانند: بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ، بِاللّهِ

احکام تنوین و نون ساکنه

تنوین نون ساکنی است که به آخر بعضی از اسم ها افزوده می شود که نوشته نمی شود ولی خوانده می شود و بجای نون حرکت حرف آخر تکرار می شود (_____) مانند: كِتَابٌ ذِكْرٌ رَاضِيَةٌ سُرُرٌ جِهَادٌ وَوَلَدٌ عَلِيمًا

اگر تنوین (_____) و نون ساکن (ن) قبل از حروف الفبای عربی قرار گیرند ، در نحوه تلفظ آنها ، چهار حالت بوجود می آید :

۱- ادغام :

هرگاه تنوین یا نون ساکن به یکی از حروف یرملون (ی ، ر ، م ، ل ، و ، ن) برسد تنوین یا نون ساکن تلفظ نمی شود و حرف یرملون (حرف بعدی) با تشدید خوانده می شود. مانند :

مِنْ وَكْدٍ ، که خوانده می شود: مَوَّكْدٍ.

خَيْرًا وَآبَقَى ، که خوانده می شود: خَيْرٌ وَآبَقَى

إِنْ لَبِثْتُمْ ، که خوانده می شود: إِلْبِثْتُمْ .

مَتَاعًا لَكُمْ ، که خوانده می شود: مَتَاعَلَّكُمْ

عَنْ نَفْسٍ ، که خوانده می شود: عَنَّفْسٍ .

كُلًّا نُمِدُّ ، که خوانده می شود: كُلُّ نُمِدُّ .

مِنْ رَبِّكُمْ ، که خوانده می شود: مِرَبِّكُمْ .

عَفُورًا رَحِيمًا ، که خوانده می شود: عَفُورُرَّحِيمِ

مَنْ يَهْدِي ، که خوانده می شود: مَيَّهْدِي .

خَيْرًا يَرَهُ ، که خوانده می شود: خَيْرَ يَرَهُ

مِنْ مَالٍ ، که خوانده می شود: مِمَّالٍ .

قَرَارٍ مَكِينٍ ، که خوانده می شود: قَرَارِ مَكِينٍ

۲- قلب (اقلاب) :

هر گاه تنوین یا نون ساکن به حرف "با" (ب) برسد ، تنوین
یا نون ساکن بصورت " م " تلفظ می شود. مانند :
سَمِيعٌ بَصِيرٌ ، که خوانده می شود : سَمِيعٌ بَصِيرٌ.
أَنْبِيَاءٌ ، که خوانده می شود : أَمْبِيَاءٌ.
مِنْ بَعْدُ ، که خوانده می شود : مِمَّ بَعْدُ.
أَمَدًا بَعِيدًا ، که خوانده می شود : أَمَدَمَّ بَعِيدًا.

۳- اظهار:

هرگاه تنوین یا نون ساکن قبل از شش حرف حلقی (همزه،
ها، حا، خا، عین و غین) بیاید ، تنوین و نون ساکن آشکارا
خوانده می شوند. مانند:

مَنْ أَعْطَى ، يَوْمَ أَكْبَرُ ، مَنْ هَلَكَ ، سَلَامٌ هِيَ
مِنْ عَمَلٍ ، أَجْرًا عَظِيمٍ ، مِنْ خَيْرٍ ، نَارًا خَالِدًا
مِنْ حَكِيمٍ ، حَكِيمٍ حَمِيدٍ ، مِنْ غَيْرِكُمْ ، رَبِّ غَفُورٍ

۴- اخفاء :

هرگاه تنوین و نون ساکن به بقیه حروف (علاوه بر حروف حلقی و یرملون و حرف " ب ") برسد تنوین و نون ساکن به صورت پنهان ، به شکلی که بین اظهار و ادغام باشد ، تلفظ می شوند.

حروف مابقی عبارتند از : « ت ، ث ، ج ، د ، ذ ، ز ، س ، ش ، ص ، ض ، ط ، ظ ، ف ، ق ، ک » . مانند:

مَنْ تَابَ ، مَنْثُورًا ، إِنْ جَاءَكُمْ ، أَنْدَادًا ، مَنْ ذَا الَّذِي ، نَفْسًا
زَكِيَّةً ، فَوْجٌ سَأَلَهُمْ ، رَسُولًا شَاهِدًا ، يَنْصُرُكُمْ ، مَنْ ضَلَّ ،
شَرَابًا طَهُورًا ، إِنْ ظَلَمَ ، مِنْ فِتْنَةٍ ، كُتِبَ قِيَمَةٌ ، مِنْكُمْ

احکام میم ساکن

۱- ادغام : هر گاه میم ساکن (م) به میم متحرک برسد در

همدیگر ادغام می شوند . مانند:

أَمْ مَنْ ، که خوانده می شود : أَمَّنْ .

لَهُمْ مَغْفِرَةٌ ، که خوانده می شود : لَهُمَّغْفِرَةٌ .

۲- اخفاء : هر گاه میم ساکن (م) به حرف " ب " برسد ، میم

ساکن بصورت پنهان خوانده می شود . مانند :

هُمْ بَارِزُونَ ، رَبَّهُمْ بِهِمْ .

۳- اظهار : هر گاه میم ساکن به بقیه حروف الفبای عربی (غیر

از " م " و " ب ") برسد ، میم ساکن آشکارا خوانده می شود

مانند : أَمْ حَسِبْتُمْ ، أَمْطَرْنَا ، يَمْشُونَ ، و

احکام حرف را (ر)

- ۱- تفخیم : در حالت‌های زیر حرف " ر " تفخیم می شود :
 - راء مفتوح و مضموم باشد. رَحِيم ، رُحَمَاء .
 - راء ساکن ، ماقبل آن مفتوح یا مضموم باشد . يُرْضَى ،
 - راء ساکن ، ماقبلش هم ساکن و ماقبل مفتوح یا مضموم باشد. كَسْرٌ ، خُمْرٌ .
 - راء ساکن ، ماقبل الف یا واو مدی باشد باشد . نَارٌ ، نُورٌ .
 - راء ساکن ، ماقبل همزه وصل باشد. رَبِّ ارْجِعُونِ .
 - راء ساکنه مابعد ، حرف استعلا به شرطی که در یک کلمه باشند ، مانند : مِرْصَاد

۲- ترقیق راء :

- راء مکسور باشد. رِجَالٌ ، مُخْرِجٌ
- راء ساکن ، ماقبل مکسور باشد. فِرْعَوْنٌ ، مِرْيَه
- راء ساکن، ماقبل ساکن ، ماقبل مکسور باشد. اَلذِّكْرُ
- راء ساکن ، ماقبل یای مدی باشد. نَذِيرٌ ، خَبِيرٌ .
- راء ساکن ، ماقبل " یاء " ساکن باشد. خَيْرٌ ، طَيْرٌ .

تفخیم و ترقیق الف مدی

تفخیم : اگر حرفی که پایه الف مدی است مفخم باشد الف نیز تفخیم می شود ، مانند : قَالَ - صَادِقِينَ - يَدُ اللَّهِ - رَازِقِينَ

ترقیق : اگر حرفی که پایه الف مدی است ترقیق باشد الف نیز ترقیق می شود ، مانند : يَشَاءُ - اِنْسَانَ - اِيْمَانَ - مَالِك

م

مد (~) به معنی کشیدن صدای حرف می باشد.

حروف مد عبارتند از : واو (و) ، الف (ا) ، یاء (ی) .

مخرج حروف مد : مخرج این حروف جوف است که همان فضای خالی طولانی است که از سینه شروع می شود و تا خارج دهان ادامه دارد و از حلق و دهان می گذرد. لذا نمی توان این حروف را به تنهایی تلفظ کرد بلکه باید قبل از آنها حرفی دارای مخرج محدود قرار بگیرد تا صدا از آنجا آزاد شود و در حرف مد ادامه پیدا کند. مانند : جَا ، قُو ، سِي .

شرایط مد : ۱- حروف مد (و ، ا ، ی)
 ۲- ماقبل " ا " مفتوح ، ماقبل " و " مضموم و ما
 قبل " ی " مکسور باشد
 مد طبیعی : هرگاه بعد از هر حرفی ، یکی از حروف مد (ا ،
 و ، ی) قرار بگیرد حرف مد به اندازه دو حرکت کشیده
 می شود . مانند : نُوحِيهَا = نُ + و ، ح + ی ، ة + ا
 سبب مد : سبب مد دو چیز است :

۱- همزه (ء) - سکون (ْ)

انواع مد

۱- مد متصل : هرگاه حرف مد و سبب مد هر دو در یک کلمه
 باشند ، حرف مد به اندازه ۴ حرکت کشیده می شود .
 مانند: سَاءٌ ، جِيءٌ ، سُوءٌ .

۲- مد منفصل : هرگاه حرف مد در یک کلمه و سبب مد در کلمه
 دیگر باشد حرف مد به اندازه دو یا چهار حرکت کشیده
 می شود . مانند : إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي آيَاتِنَا قَالُوا إِنَّا .

۳- مد عارضی : هر گاه سبب مد (سکون) به سبب وقف ایجاد شده باشد و قبل از آن حرف مد آمده باشد حرف مد به اندازه ۲ یا ۴ یا ۶ حرکت کشیده می شود .

مانند : بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ،الرَّحِیْمِ .
الْحَسَابُ = الْحَسَابُ ، مُؤْمِنِیْنُ = مُؤْمِنِیْنُ .

۴- مد لازم : هر گاه سبب مد (سکون) لازم و همیشگی باشد یا سبب مد تشدید باشد حرف مد به اندازه ۶ حرکت کشیده می شود. مانند :

ضَالِّیْنَ ، الْحَقَّاهُ ، اَللَّانَ ، الم (الف ، لام ، میم)

۵- مد لین : هر گاه دو حرف مد (و ، ی) ساکن باشند و ما قبل آنها مفتوح باشد حرف لین محسوب شده و اگر بعد از آن دو حرف ساکن بیاید حرف (" و " یا " ی ") به مانند مد عارضی کشیده می شوند. مانند : خَوْفُ (خوف) ، که " و " حرف مد " ف " ساکن سبب مد است .

قَرَيْشٍ (قَرَيْشِ) " ی " حرف مد و " ش " ساکن سبب مد است.

احکام همزه

همزه در اول ، وسط و آخر کلمه واقع می شود . مانند :
أَمَرَ ، سَأَلَ ، شَاءَ

انواع همزه : -

۱- همزه قطع : همزه ای است که هم نوشته می شود و هم خوانده می شود. مانند: اللَّهُ أَكْبَرُ ، أَوْلَئِكَ .

۲- همزه وصل : همزه ای است که اگر در اوّل کلام واقع شود خوانده می شود ، ولی اگر در وسط قرار گیرد نوشته می شود اما خوانده نمی شود . مانند :

إِمْشُوا — أَنْ اِمْشُوا . إِصْبِرُوا — وَأَصْبِرُوا .
إِسْتَغْفِرْ — فَاسْتَغْفِرْ . أَتْلُ — وَآتَلُ .

همزه وصل در حرکت از حرف بعد از سکون تبعیت می کند و دو حالت دارد :

۱- اگر حرف بعد از سکون مفتوح یا مکسور باشد ، همزه وصل کسره می گیرد . مانند :

وَاصْبِرُوا — إصْبِرُوا . قَالَ أَذْهَبُ — إِذْهَبُ.

۲- اگر حرف بعد از سکون مضموم باشد همزه وصل ضمه می گیرد. مانند : أَنْ اشْكُرْ — أَشْكُرْ .

فَمَنْ اضْطُرَّ — أَضْطُرَّ

اشباع های ضمیر

۱- هر گاه حرف قبل از ها (ه) مفتوح یا مضموم باشد (ه) به صورت هُو تلفظ می شود . مانند : مَالَهُ ، خوانده می شود : مَالَهُو . ، خوانده می شود وَكَلْدَهُو .

۲- هر گاه حرف قبل از ها (ه) مکسور باشد (ه) به صورت
هی تلفظ می شود . مانند :
مِنْ دُونِهِ ، خوانده می شود : مِنْ دُونِهِی .

مثال : اِنَّهُ - يَرَهُ - عِبَادِهِ - عَبْدُهُ - رَبِّهِ - مَعَهُ - فِي بَطْنِهِ -
لِقَوْمِهِ .

هاء ضمیر در سه مورد زیر اشباع نمی شود :

۱- اگر قبل از هاء ضمیر ، حرف ساکن باشد ، مانند :
مِنْهُ - اِلَيْهِ - لَدُنْهُ - فَاَعْبُدْهُ - يَعْلَمُهُ - فَبَشِّرْهُ

۲- قبل از هاء ضمیر ، حروف مدّی باشد ، مانند :
فِيهِ - اَنْزَلْنَاهُ - يَهْدِيهِ - هُدَاهُ - نَصْرُوهُ

۳- بعد از هاء ضمیر ، ساکن یا مشدد باشد ، مانند :
لَهُ الْحَمْدُ - نَصْرَهُ اللهُ - دُونِهِ الْبَاطِلَ - بِهِ الَّذِيْنَ

احکام وقف

وقف به معنی ایستادن و توقف کردن روی کلمه است ، که هر گاه روی کلمه ای وقف شود آخر آن ساکن خوانده می شود .
مانند :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ، خوانده می شود : ... الرَّحِيمِ .

وقف بر کلمه ای که آخر آن تنوین نصب (فتحه ای) داشته باشد تنوین به الف تبدیل می شود . مانند :
لَمْ يَكُنْ شَيْئاً مَذْكُوراً خوانده می شود : ... شَيْئاً مَذْكُوراً .

علائم وقف :

در روی بعضی از کلمات قرآن معمولاً علائمی گذاشته می شود که اشاره به وقف یا عدم وقف می نمایند . مانند :

صلی : اشاره به درست بودن وقف است ، اما وصل بهتر است

ص : اشاره به وقف مجاز در صورت ضرورت همچون قطع نَفَس می باشد.

ج : وقف و وصل جایز است .

ز : وقف و وصل جایز است .

قلی : به معنی جایز بودن وقف و وصل است ، اما وقف بهتر است.

ط : به معنی درست بودن وقف و وصل است، اما وقف بهتر است.

م : اشاره به لازم بودن وقف است ، چون اگر وقف نشود معنی آیه تغییر می کند.

لا : اشاره به درست نبودن وقف است ، زیرا هنوز معنی تمام نشده است .